



زبان شکست و شکست زبان در شعر اخوان ثالث

محمد یعقوبی^۱، رسول زارع^۲، سید علیرضا حسینی^۳

۱- استادیار زبان و ادبیات عرب، دانشگاه فرهنگیان ارومیه

۲- فرهیخته دکترای زبان و ادبیات عرب دانشگاه خوارزمی

۳- استادیار زبان و ادبیات عرب دانشگاه کوثر بجنورد

چکیده:

تجربه‌ی شعری اخوان از آغاز تا پایانش اختلاطی از گفتمان پایایی و شکست هر دو بود. گفتمان پایایی و ماندگاری اخوان عبارت است از تلاش برای ابقای شخصیت روح ملی ایرانی و تکاپو برای اینکه روح ملی ایرانی و ایرانی بودن از آن وضعیت نابسامانی که در زمان وی در آن قرار داشت به سمت وضعیتی آنومیک تر و نابسامان تر پیش نرود و به شکستی ویران گر دچار نشود و ذات و بنیادهای ایرانی بودگی به یک باره فرو نریزد. تجربه‌ی شعری و نوشتار برای اخوان که ترس از فرو ریزش روح ملی ایرانی را در آن دوره داشت به مثابه‌ی مقاومت بود. این جا مقاومت نه در معنی شعاری- تبلیغی آن بلکه به مفهوم مانعی برای شکست و نابودی تمام است؛ اما وقتی شکست را با تن و پوستش لمس می‌کند، با زبانش در مورد شکست نمی‌نویسد، انگار که زبان نیز خود شکست خورده است؛ بلکه با چهره‌ای متفاوت این بار با حسی نیرومند از نومیدی و پوچی به تأمل می‌نشیند و نومیدی در زبانش راوی شکست می‌شود. هدف این نوشتار خوانش شکست در شعر اخوان است. ضرورت انجام این پژوهش دگرگونه نگاه کردن به زبان شعری اخوان و از منظری دیگر خواندن اشعار وی است. شیوه‌ی تحقیق بررسی اشعاری از اخوان در دو دوره‌ی قبل و بعد شکست در دهه‌ی چهل می‌باشد که مستقیماً زبان شعری وی را تحت تأثیر قرار داده است و این تبیین به وسیله‌ی تئوری‌های شکست صورت پذیرفته است. خروجی تحقیق این است که زبان شعری در شعر اخوان در مراحل زبان شکست است که در سطح فرم و محتوا ما این شکست را ملاحظه می‌کنیم و در مراحل شکست زبان است که به صورت‌های عدم توانش و حضور در امر فاجعه، آن چنانکه فاجعه با درد و رنج وجودی همراه هست و ماندن در تأمل و اندیشیدن در نیستی و انزوا نمایانگر می‌شود.

واژگان کلیدی: اخوان ثالث، زبان شکست، شکست زبان.